



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۹۳	تاریخ	۱۴۰۴/۰۱/۳۰
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل درس پیشین

بحث در این فرض متمرکز بود که خبر واحد، مدلول مطابقی ترخیصی و مدلول التزامی الزامی دارد و اصل عملی جاری در مورد موضوع مدلول التزامی، ترخیصی است. بیان شد که اگر اصل عملی جاری در مورد مدلول التزامی، الزامی می بود، گفته شد که ثمره عملی میان دو مبنا وجود ندارد. پرسش اصلی، بررسی تفاوت میان اثبات وجوب عمل به این خبر از طریق دلیل حجیت و اثبات آن از طریق علم اجمالی، در نسبت با این اصل عملی ترخیصی بود.

همچنین بیان شد که اگر خبر با دلیل حجیت ثابت شود، مدلول التزامی الزامی آن نیز حجت بوده و بر اصل عملی ترخیصی حکومت می کند و در نتیجه، باید به مدلول التزامی عمل کرد.

بحث اصلی در جایی است که وجوب عمل به خبر از طریق علم اجمالی ثابت شود. در این فرض، با توجه به دوگانگی مدلول خبر (مطابقی ترخیصی و التزامی الزامی)، گفته شد که این خبر می تواند طرف دو نوع علم اجمالی قرار گیرد: یکی علم اجمالی به وجود ترخیصات صادقه در میان مجموعه اخبار ترخیصی، به لحاظ مدلول مطابقی ترخیصی و دیگری علم اجمالی به وجود الزامات صادقه در میان مجموعه اخبار الزامی، به لحاظ مدلول التزامی الزامی.

علم اجمالی نوع اول (مربوط به ترخیصات)، چنانکه بیان شد، منجز نیست؛ اما علم اجمالی نوع دوم (مربوط به الزامات)، منجز و مستلزم احتیاط است.

حال سؤال اصلی این است آیا مدلول التزامی الزامی این خبر خاص، می تواند به عنوان یکی از اطراف علم اجمالی منجز

دوم (علم به الزامات) محسوب شود و از آن کسب تنجیز کند تا بر اصل عملی ترخیصی مقدم گردد؟

توجه به این نکته ضروری است که این بحث دقیق، هرچند به بهانه بررسی حجیت خبر از طریق دلیل عقلی مبتنی بر علم اجمالی مطرح شده، اما هدف اصلی تنقیح یک قاعده کلی اصولی است که در ابواب مختلف فقه و اصول کاربرد دارد

که آیا هر احتمال الزامی، ولو اینکه این الزام از طریق دلالت التزامی ثابت شود، می تواند یکی از اطراف علم اجمالی به وجود الزامات واقعی قرار گیرد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا مدلول التزامی الزامی یک خبر - که مدلول مطابقی اش ترخیصی است - می تواند به عنوان یکی از «اطراف» علم اجمالی مربوط به الزامات قرار گیرد و از آن کسب تنجیز کند؟

برای توضیح بیشتر، فرض کنید ما علم اجمالی داریم که در میان یک مجموعه بزرگ مشتمل بر ۵۰ هزار خبر که مضمون الزامی دارند - چه با دلالت مطابقی و چه التزامی -، تعداد ۱۰ هزار حکم الزامی صادق و مطابق با واقع وجود دارد. لازمه این علم اجمالی منجز آن است که ما احتیاطاً به همه ۵۰ هزار خبر عمل کنیم تا یقین به امتثال آن ۱۰ هزار حکم الزامی واقعی پیدا کنیم. حال، خبر مورد بحث ما، هر چند دلالت مطابقی اش ترخیصی است، اما دلالت التزامی الزامی دارد. این دلالت التزامی، یکی از همین ۵۰ هزار احتمال الزام در آن مجموعه بزرگ است. از آنجا که ما احتمال می دهیم این مدلول التزامی الزامی خاص، یکی از همان ۱۰ هزار حکم الزامی واقعی باشد که اجمالاً به وجودشان علم داریم، همین احتمال بودن در دایره معلوم بالاجمال، موجب می شود که عمل به این مدلول التزامی نیز - به عنوان جزئی از احتیاط کلی - لازم و منجز گردد. به عبارت دیگر، چون این مدلول التزامی در مجموعه اخبار محتمل الالتزام قرار دارد و ما به وجود الزامات واقعی در این مجموعه علم اجمالی داریم، پس باید به این مدلول التزامی نیز مانند سایر احتمالات الزام آور عمل کنیم.

بنابراین ممکن است در نگاه اول تصور شود که هر مدلولی که بر الزام دلالت کند - ولو به دلالت التزامی -، می تواند یکی از اطراف علم اجمالی به الزامات باشد. زیرا ما اجمالاً می دانیم که تعدادی احکام الزامی واقعی در میان مجموعه اخبار وجود دارد و این مدلول التزامی نیز یکی از احتمالات آن است؛ پس احتیاطاً باید به آن عمل کرد. باید دید که آیا این استدلال صحیح است و آیا صرف احتمال بودن در دایره معلوم بالاجمال الزامات، برای تنجیز مدلول التزامی کافی است؟

مرحوم آیت الله شهید صدر رحمته الله علیه برای تشخیص اینکه کدام احتمال از احتمالاتی که در مجموع احتمالات وجود دارد، می تواند طرف علم اجمالی قرار بگیرد، ضابطه ای ارائه می کنند. ضابطه ای که ایشان ارائه می دهند، مبتنی بر کشف اتی است. این ضابطه برای تشخیص این است که آیا یک محتمل - مانند خبر مورد بحث که با مدلول التزامی خود بر الزام دلالت می کند - می تواند طرف یک علم اجمالی منجز قرار گیرد یا خیر؟

ضابطه طرفیت علم اجمالی بر اساس تقریر ایشان این است که باید دید آیا افزودن این مدلول محتمل به مجموعه اطراف محتمل علم اجمالی، موجب افزایش عدد معلوم بالاجمال می شود یا خیر؟ و یا بالعکس، آیا حذف آن از مجموعه، موجب کاهش عدد معلوم بالاجمال می گردد؟ یعنی اگر این خبر از آن مجموعه حذف شد، می توان گفت که دیگر علم اجمالی به اینکه ۱۰ هزار خبر در آن مجموعه ۵۰ هزار تایی وجود ندارد، بلکه علم اجمالی به ۹ هزار و ۹۹۹ خبر صادق در آن مجموعه وجود دارد؛ یا خیر؟ اگر افزودن آن، عدد معلوم بالاجمال را افزایش دهد یا حذفش آن را کاهش دهد، نشان دهنده آن است که این محتمل، طرف حقیقی آن علم اجمالی محسوب می شود. اما اگر افزودن یا حذف آن، تأثیری در عدد معلوم بالاجمال نداشته باشد؛ یعنی تعداد الزامات یا ترخیصیاتی که اجمالاً به صدق آنها علم داریم، با بودن یا نبودن این مدلول خاص، تغییری نکند، کاشف از آن است که این مدلول، طرف حقیقی آن علم اجمالی نیست.

متن تقریر درس ایشان توسط بنده چنین است:

«لكن الشأن في كون هذا اللازم طرفاً لهذا العلم الإجمالي في دائرة الإلزاميات، فإنه ليس طرفاً لهذا العلم في الغالب. والسّر في ذلك، أنّ الملاك الذي يكشف لنا عن طرفية العلم الإجمالي وعدمها هو أن تكون إضافة هذا المدلول الالتزامي إلى الأخبار الإلزامية موجبة لزيادة عدد المعلوم بالاجمال، فإنّ ذلك يكشف عن طرفيته للعلم الإجمالي. فإن لم توجب إضافته زيادة في عدد المعلوم بالاجمال كما هو الغالب، كشف ذلك عن عدم طرفيته للعلم الإجمالي».

اما نکته مهم در این است که این لازم، طرفی برای این علم اجمالی در دایره الزامیات باشد، چرا که غالباً طرفی برای این علم نیست. و راز این مسئله در این است که ملاکی که برای ما طرف بودن یا نبودن علم اجمالی را آشکار می کند، این است که اضافه شدن این مدلول التزامی به اخبار الزامی، موجب افزایش عدد معلوم بالاجمال شود؛ چرا که این افزایش از طرف بودن آن برای علم اجمالی پرده برمی دارد. پس اگر اضافه شدن آن، موجب افزایش در عدد معلوم بالاجمال نشود، همانطور که غالب موارد اینگونه است، این امر از طرف نبودن آن برای علم اجمالی کشف می کند.

ایشان معتقدند که در غالب موارد، افزودن یا حذف یک مدلول التزامی -مانند مدلول التزامی الزامی در بحث ما- به مجموعه اخبار الزامی، تأثیری در عدد معلوم بالاجمال الزامات ندارد. یعنی تعداد احکام الزامی که ما علم به وجود آنها در ضمن مجموعه اخبار داریم، با بودن یا نبودن این مدلول التزامی خاص، ثابت باقی می ماند.

[بنابراین، طبق این ضابطه، مدلول التزامی الزامی خبر مورد بحث، طرف علم اجمالی به الزامات محسوب نمی شود؛ در نتیجه، نمی تواند از آن علم اجمالی کسب تنجیز کند. پس هنگامی که وجوب عمل به خبر صرفاً از باب علم اجمالی ثابت شده باشد، این مدلول التزامی الزامی -به دلیل عدم تنجیز-، توان معارضه با اصل عملی ترخیصی جاری در مورد موضوع خود را ندارد و اصل عملی مقدم می شود].

ادامه این بحث و بررسی ان شاء الله در جلسه آینده پیگیری خواهد شد. توصیه می شود جهت روشن شدن مباحث و تعمق بیشتر، به تقریرات این مباحث، خصوصاً تقریرات مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی و آیت الله حائری، رجوع شود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين